



Center for Strategic Studies of the  
Islamic Republic of Iran Army

Quarterly Journal Of  
Army Strategic Research  
Print ISSN:27834212  
Volume 2, Issue 4  
Summer 2023  
P.P. 69-89

## Iranian Pattern for Evaluation and Measuring of National Power

seyedFardin Zare\*<sup>1</sup>, Mohsen Moradian<sup>2</sup>, Mohsen Sadeghi Nasab<sup>3</sup>

### Abstract

National power has been the subject of attention of geographers, geopoliticians, political science and international relations specialists, strategists and politicians, and each has tried to find a way to measure it. In terms of type, this research is applied-developmental and in terms of method, it is a case-based research; However, in addition to the case-contextual method, in order to perform qualitative analysis, two methods of document review and scientific documents with a contextual approach and content analysis method with both in-depth and broad approaches have been used. Examining the results of the research shows that the model of measuring and balancing national power, which was prepared according to the native characteristics of the Islamic Republic of Iran and the possibility of using it in other countries, has many capabilities and advantages compared to most of the existing models of measuring national power. has it.

This model does not rely only on the hard side of power and pays attention to all its aspects, including soft and intelligent power in addition to hard power, and in addition to the national level of power, it also deals with the subnational and transnational levels. Paying attention to all the dimensions of power and even adding new dimensions such as the cultural-ideological and communication-information dimension is one of the advantages of this model both in the theoretical and practical fields. The diversity and breadth of variables and indicators of this model should not be overlooked while paying attention to the theoretical coherence. Most of the national power measurement models only seek to obtain the power rating of the countries and do not pay attention to balancing and analyzing the gap between the dimensions, variables and indicators of the national power of a country or countries with each other; While the model considered in this research has a privileged position from other existing models due to the simultaneous and complementary attention to measurement, alignment and analysis of the power gap together.

Key words: power, national power, measurement of national power, theories of power,

**Citation** Zare seyedFardin, Moradian Mohsen, Sadeghi Nasab Mohsen, (2023).Iranian Pattern for Evaluation and Measuring of National Power. *Journal Of Army Strategic Research*, 2(4), 69-89.

- 
1. PhD .Strategic Management – Higher National Defense University Tehran – Iran. [Sfz.estahregi@gmail.com](mailto:Sfz.estahregi@gmail.com)
  2. PhD .Strategic Management – Higher National Defense University Tehran – Iran.
  3. PhD .Strategic Management – Higher National Defense University Tehran – Iran.
- 

**Received: 2023/03/01**  
**Accepted: 2023/05/07**

**Article Type : Research – based**



## الگوی ایرانی سنجش و تراز یابی قدرت ملی

سید فردین زارع<sup>۱</sup>، محسن مرادیان<sup>۲</sup>، محسن صادقی نسب<sup>۳</sup>

### چکیده

قدرت ملی موضوع مورد توجه جغرافی‌دانان، ژئوپلیتیسین‌ها، متخصصین علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، استراتژیست‌ها و سیاست‌مداران بوده و هر یک سعی کرده‌اند راهی برای سنجش آن بیابند. این تحقیق از نظر نوع، کاربردی- توسعه‌ای و از نظر روش، یک تحقیق موردی- زمینه‌ای می‌باشد؛ اما علاوه بر روش موردی- زمینه‌ای، به‌منظور انجام تحلیل‌های کیفی از دو روش روش بررسی اسناد و مدارک علمی با رویکرد زمینه‌ای و روش تحلیل محتوی با هر دو رویکرد ژرفانگر و پهنانگر نیز استفاده شده است. بررسی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که الگوی سنجش و تراز یابی قدرت ملی که با توجه به ویژگی‌های بومی جمهوری اسلامی ایران و امکان استفاده از آن در دیگر کشورها تهیه شده، قابلیت‌ها و امتیازات بسیاری نسبت به اغلب الگوهای سنجش قدرت ملی موجود دارد.

این الگو، صرفاً متکی به وجه سخت قدرت نیست و به همهی وجوه آن از جمله قدرت نرم و هوشمند نیز در کنار قدرت سخت توجه نموده و علاوه بر سطح ملی قدرت، به سطوح فروملی و فراملی نیز می‌پردازد. توجه به همهی ابعاد قدرت و حتی افزودن ابعاد جدید مانند بُعد فرهنگی- ایدئولوژیک و ارتباطی- اطلاعاتی از امتیازات این الگو هم در حوزه‌ی ثئوریک و هم در سطح عملی است. تنوع و گستردگی متغیرها و شاخص‌های این الگو در عین توجه به انسجام ثئوریک را نیز نباید از نظر دور داشت. اغلب الگوهای سنجش قدرت ملی صرفاً به دنبال به‌دست‌آوردن رتبه‌ی قدرت کشورها هستند و به تراز یابی و تحلیل شکاف بین ابعاد، متغیرها و شاخص‌های قدرت ملی یک کشور یا کشورها با یکدیگر بی‌توجهند؛ درحالی‌که الگوی مورد نظر این تحقیق به دلیل توجه هم‌زمان و تکمیلی به سنجش، تراز یابی و تحلیل شکاف قدرت در کنار یکدیگر، موقعیتی ممتاز از سایر الگوهای موجود دارد.

**واژگان کلیدی:** قدرت، قدرت ملی، سنجش قدرت ملی، نظریه‌های قدرت،

**استناد:** زارع، سید فردین؛ مرادیان، محسن؛ صادقی نسب، محسن. (۱۴۰۲). الگوی ایرانی سنجش و تراز یابی

قدرت ملی (۱۴۰۲) فصلنامه مطالعات راهبردی ارتش، ۲ (۴)، ۸۸-۶۹

۱. دانش آموخته‌ی دکتری. مدیریت راهبردی. دانشگاه عالی دفاع ملی. تهران. ایران. (نویسنده مسئول) [sfz.estahregi@gmail.com](mailto:sfz.estahregi@gmail.com)

۲. دانش آموخته‌ی دکتری. مدیریت راهبردی. دانشگاه عالی دفاع ملی. تهران. ایران.

۳. دانش آموخته‌ی دکتری. مدیریت راهبردی. دانشگاه عالی دفاع ملی. تهران. ایران.

## مقدمه

در طلیعه‌ی قرن بیست‌ویکم، مفهوم قدرت مهم‌تر از هر زمان دیگر شده و باید بیش‌تر مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این راستا چگونگی سنجش و اندازه‌گیری قدرت، امری اساسی و بنیادین برای بحث‌های عمده پیرامون سیاست خارجی کشورهاست. اگر کشورها دارای توانی بیش از گذشته باشند، آنگاه مسئله‌ی سیاست خارجی آن‌ها ساده شده و دوستان و متحدان چه بخواهند و چه نخواهند، باید از آنان پیروی کنند. دشمنان بالقوه نیز با دورنمای این قدرت دچار وحشت خواهند شد. از سوی دیگر اگر این قدرت کم‌تر از آن‌چه که فرض شده یا کم‌تر از آن‌چه که امید به آن می‌رود، قابل به‌کارگیری باشد، آنگاه دیگر کشورها از همراهی با آن امتناع خواهند نمود.

موضوع سنجش و اندازه‌گیری قدرت کشورها، همواره مدّ نظر اندیشمندان سیاسی و نظامی بوده است و در کنار بررسی منابع و سرچشمه‌های قدرت، برخی اندیشمندان نیز در صدد سنجش و ارزیابی قدرت ملی کشورها بر آمده‌اند. برخی محققان در این چارچوب، توانسته‌اند بر اساس پاره‌ای عوامل و متغیرها، میزان قدرت کشورها را سنجیده و آن‌ها را با هم مقایسه کنند و جایگاه کشورها و مناطق را در جهان نشان دهند.

نقطه‌ی شروع برای تفکر درباره‌ی الگوی سنجش قدرت ملی و توسعه سنجه‌ها، آن است که کشورها را به‌عنوان «ظرف‌های قابلیت» نگاه کنیم. این قابلیت‌ها، جمعیت‌شناختی، اقتصادی، فنّاورانه و مشابه آن، تنها از طریق فرایند انتقال، ظاهر و آشکار می‌شوند.

درواقع تصور قدرت ملی بر درک این مطلب استوار است که کدام متغیر برای ایجاد یک نیروی کارآمد و مؤثر قدرت لازم است و چگونه این کارایی و تأثیرگذاری می‌تواند به‌صورت ریاضی تجسم و درک شود. مفهوم قدرت ملی مبتنی بر فهم این مطلب است که چگونه سازمان‌ها و نهادهای هر کشور، منابع مَلّی را دریافت نموده و آن‌ها را به قابلیت‌ها و توانایی‌های خاص تبدیل می‌کنند. قابلیت‌ی که از این منابع حاصل می‌شود، برای تحمیل خواست و اراده‌ی رهبران یک کشور بر دشمنان مؤثر است. بنابراین بزرگ‌ترین چارچوب منطقی در سنجش قدرت و توان ملی باید در راستای بررسی این سؤال به کار گرفته شود که چه عوامل و متغیرهایی و با چه وزنی در ایجاد قدرت مَلّی مؤثر و کارآمد، نقش دارند؟

اهمیت قدرت مَلّی در تمامی تحلیل‌های مربوط به سنجش قدرت در جغرافیای سیاسی کشورها مشهود است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حوزه قدرت و توانمندی نظامی کشورها مطرح

است، بررسی و شناخت عناصر و فاکتورهای مؤثر بر قدرت ملی و امکان محاسبه‌ی این مؤلفه از قدرت کشورهاست.

با وجود آنکه رویکرد بومی به مفهوم قدرت و امنیت در ایران مقوله ناشناخته‌ای نیست؛ اما با مرور اجمالی بر تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه، به وضوح می‌توان دریافت که نه تنها الگوی بومی جامع برای سنجش و تراز یابی قدرت جمهوری اسلامی موجود نیست؛ بلکه حتی شناخت جامع از الگوهای رایج موجود در دنیا هم وجود ندارد. هر چند در سال‌های اخیر تلاش‌های قابل تقدیری برای شناخت مبانی قدرت و امنیت در ایران صورت و رویکرد بومی به موضوع نیز همپای حوزه‌های مطالعاتی دیگر مورد توجه قرار گرفته است؛ اما واقعیت این است که چرخه‌ی کامل تولید، توزیع و مصرف دانش و اندیشه‌ی بومی و مستقل در این زمینه به طور اعم و طراحی الگوی بومی جامع برای سنجش و تراز یابی قدرت ملی به طور اخص، کم‌تر مورد توجه بوده است.

موضوع سنجش و اندازه‌گیری قدرت ملی کشورها، همواره مدّ نظر اندیشمندان بوده و در کنار بررسی منابع و سرچشمه‌های قدرت، برخی اندیشمندان نیز درصدد سنجش و ارزیابی قدرت ملی کشورها برآمده‌اند. ضرورت اجرای تحقیق حاضر در این چارچوب این است که در صورت بی‌اطلاعی از توان ملی دیگر کشورها، نمی‌توان اقدام به تنظیم روابط با آنان کرد؛ لذا انجام این تحقیق کمک می‌کند تا با شناخت دقیق میزان قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران اعم از مؤلفه‌های فیزیکی و غیرفیزیکی، بتوانیم به مقایسه‌ی توان ملی کشورهای مختلف براساس مؤلفه‌های متقن بومی‌شده‌ی جمهوری اسلامی ایران اقدام نماییم.

آگاهی از ماهیت قدرت در گام نخست نیازمند درک مشترک یا حداقل تصویری روشن از آن است که باید با تعریف به آن دست یافت؛ اما ارائه‌ی تعریف بدون شناخت ممکن نیست؛ زیرا قدرت نیز مانند هر پدیده دیگر پیش از آنکه موضوع تعریف قرار گیرد، باید موضوع شناخت واقع شود. بنابراین پاسخ به «چیستی قدرت» یا آگاهی از ماهیت آن، مستلزم شناخت محدودیت‌ها و پیچیدگی‌ها از یک سو و برداشت‌ها و تعاریف آن از سوی دیگر است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

قدرت به لحاظ لغوی، به معنی توانایی یا توان‌مندی است که میزان تأثیر بالقوه یا بالفعل یک فرد یا شیء بر افراد یا اشیاء دیگر را نشان می‌دهد. «برتراند راسل» آن را پدیدآوردن آثار مطلوب و «ماکس وبر» امکان تحمیل اراده‌ی خود بر رفتار دیگران تعریف نموده‌اند. «رابرت

دال» قدرت را زیرمجموعه‌ای از روابط میان واحدهای اجتماعی می‌داند؛ به طوری که رفتار یک واحد یا بیش‌تر (واحدهای واکنش R) به رفتار واحدهای دیگر (واحدهای کنترل‌کننده C) وابسته باشد. «پارسونز» معتقد است که قدرت، واسطه‌ی تعمیم‌یافته‌ای برای تضمین اجرای تعهدات بوده و «نیکوس پولانتزاس» آن را توانایی یک طبقه‌ی اجتماعی برای تحقق منافع خاص خود تعریف کرده است. (نبوی، ۱۳۸۲: ۹-۱۲)

«الوین تافلر» معتقد است قدرت در تمامی نظام‌های اجتماعی و روابط انسانی، امری ذاتی است و چیزی نیست مگر وجهی از هر رابطه یا تمامی روابط میان افراد و در نتیجه، اجتناب‌ناپذیر و خنثی بوده و ذاتاً نه خوب است و نه بد. او معتقد است چون روابط انسانی همواره در حال تغییرند، روابط قدرت نیز در فرایند دائمی تغییر قرار دارند. (تافلر، ۱۳۷۰: ۷۹۹-۸۰۲)

در ادبیات سیاسی مدرن اغلب از «نیکولو ماکیاولی» و «توماس هابز» به‌عنوان نخستین کسانی که به تئوریزه کردن مفهوم قدرت پرداخته‌اند، یاد می‌شود. ماکیاولی اواخر قرن شانزدهم میلادی در کتاب شهریار (۱۹۵۸) و هابز در اواسط قرن هفدهم میلادی در کتاب لویاتان (۱۳۸۱) مفهوم قدرت را در دوران مدرن تئوریزه کرده‌اند.

با وجود تقدم زمانی ماکیاولی بر هابز، از نظر روش‌شناختی، اندیشه‌ی هابز را باید مقدم بر اندیشه‌ی ماکیاولی تلقی کرد. در واقع بین هابز و ماکیاولی تفاوتی وجود دارد که می‌توان آن را تمایز بین «مقتن» و «مفسر» تعبیر کرد. بر این اساس درحالی‌که هابز و جانشینان وی در مورد ماهیت قدرت مستمراً قانون می‌سازند، ماکیاول و اخلافتش به تفسیر آنچه قدرت انجام می‌دهد، می‌پردازند. نگرش وبر به قدرت، به‌ویژه قدرت سازمانی که در چارچوب ساختار سلسله‌مراتبی و بوروکراتیک نمود می‌یابد، به یک سنت فکری در علوم اجتماعی تبدیل و توسط اندیشمندانی چون «رابرت دال» دنبال شده است. در واقع دال نیز نگرش وبر را در تعریف و تبیین قدرت دنبال کرد؛ اما به جای آنکه آن را در چارچوب قدرت بوروکراتیک تبیین کند، در بطن جامعه وارد شد و قدرت را به مثابه‌ی رابطه‌ای که بین همه‌ی بازیگران اجتماعات انسانی برقرار است، تلقی کرده است. (Dahl, 1957; 1961; 1968; 1986)

دال قدرت را از شکل صرفاً نیت‌مندانه و ذهنی مورد نظر اسلاف خود فراتر برده و با تأکید بر پژوهش تجربی مبتنی بر رفتارگرایی، گام در مسیر سنجش عینی آن نهاده است؛ اما با وجود این تحول اساسی در نگرش نسبت به قدرت، اندیشمندان دیگر از جمله بچراچ و باراتز نگرش وی را به دلیل تک بُعدی بودن آن به چالش کشیده و سخن از بعد یا چهره‌ی دوم قدرت به

میان آورده‌اند. از دیدگاه این افراد، قدرت فقط در فعالیتی که برای اتخاذ تصمیم انجام می‌شود منعکس نیست؛ بلکه تلاش برای ایجاد ساختاری که مانع از بروز تصمیم شود نیز به معنای اعمال قدرت است. بدین ترتیب آن‌ها هم عینی‌گرایی صرف در تحلیل قدرت از نظر دال را به چالش کشیده و هم عدم تصمیم‌گیری را و در نتیجه ایجاد یا تقویت ارزش‌های سیاسی و اجتماعی و رفتارهای نهادینه‌شده را به‌عنوان بُعد سلبی قدرت مطرح نموده‌اند. (Bachrach and Baratz, 1963; 1970)

نقد قدرت از مباحث محوری پست مدرن است که ریشه‌های فلسفی آن را در اندیشه‌های «فردریک نیچه» و «هایدگر» و تجلی تاریخی و جامعه‌شناختی آن را در آثار «میشل فوکو» و «لیوتار» و پیامدهای سیاسی و فرهنگی آن را در افکار «دریدا» و «بودریار» می‌توان دنبال نمود. فردریک نیچه که بسیاری او را آغازگر اندیشه‌های پست مدرن می‌شناسند، با نگاهی کاملاً متفاوت از «هابز» به جای تکیه بر انسان‌شناسی، بر خصلت هستی‌شناختی قدرت و رابطه آن با دانش تأکید کرده و معتقد است دانش تجلی قدرت‌طلبی است و در تبدیل جوهره‌ی هستی از شدن به بودن، از طریق تفسیر جهان، نقشی کلیدی دارد. هایدگر نیز همانند نیچه بر خصلت هستی‌شناختی قدرت تأکید دارد؛ اما برخلاف نیچه که قدرت‌طلبی را خصلت انسانی در رابطه با جهان می‌دید، وی بودن در جهان را مترادف با قدرت‌طلبی دانسته و معتقد است ممکن نیست در مورد بودن در جهان اندیشید، اما وی متصور قدرت‌طلبی نبود. (منوچهری، ۱۳۷۶: ۳۶) از دیدگاه «میشل فوکو» قدرت که رابطه‌ای همبسته با دانش دارد، همه جا هست؛ به این دلیل که همه‌چیز را در بر می‌گیرد و از همه جا نشئت می‌گیرد. قدرت از پایین می‌آید و زنجیره‌ای عمل می‌کند، هرگز در دست کسی نیست و مانند یک مال یا دارایی به تملک کسی در نمی‌آید. (Foucault, 1972; 1977; 1980)

اصطلاح قدرت ملی از دو واژه قدرت و ملی تشکیل شده، بنابراین همچنان که معنای قدرت مورد کاوش و بررسی قرار گرفت، بایستی معنای ملی به‌عنوان صفت آن نیز مورد توجه قرار گیرد. در واقع سخن گفتن از قدرت ملی به معنای این است که قدرت با همه‌ی ویژگی‌هایی که برای آن برشمرده شد، در گستره یا سطح ملی مورد توجه قرار گیرد. اما آیا اگر معنای هر دو واژه را بدانیم، به این معناست که درک درستی از قدرت ملی یافته‌ایم؟ بدیهی است که پاسخ به این پرسش، منفی است و نمی‌توان گفت قدرت ملی یعنی ترکیب معنای قدرت و ملی. به عبارت دیگر ترکیب این واژگان با یکدیگر، یک هویت جدید به قدرت می‌دهد که دارای

ماهیت و مبانی نظری خاص است. از این دیدگاه، قدرت ملی عبارت است از جمع قدرت در همه‌ی ابعاد آن.

تاکنون تلاش‌های زیادی برای ارائه‌ی یک الگوی جامع و مؤثر که بتواند قدرت ملی کشورها را نشان دهد، به عمل آمده؛ لیکن هیچ‌یک از مدل‌های ارائه‌شده، پاسخ‌گوی همه‌ی ابعاد قدرت ملی و عاری از نقص نبوده است.

برای طراحی این مدل‌ها دو رویکرد مختلف وجود دارد که عبارتند از:

رویکرد تک‌متغیره: بسیاری از تحلیلگران از جمله دانشمندانی نظیر «آینیس کلاد» و «کارل دیوش»<sup>۱</sup> توانمندی نظامی را مظهر قدرت ملی می‌دانند. افراد دیگری نظیر «نورمن الکوک»<sup>۲</sup> و «آلان نیوکامب»<sup>۳</sup> از هزینه‌های نظامی و عده‌ی دیگر، از تعداد نیروهای نظامی ویژه استفاده کرده‌اند. به طور مثال «جورج مدلسکی»<sup>۴</sup> و «ویلیام تامپسون»<sup>۵</sup> اندازه‌ی نیروی دریایی را شاخص اصلی قدرت ملی دانسته‌اند. علاوه‌بر توانمندی نظامی، شاخص‌های اقتصادی نیز به‌صورت تنها شاخص قدرت به کار رفته‌اند. اشخاصی مثل «کلاوس نور»<sup>۶</sup> به تغییرات درازمدت توانمندی اقتصادی و افرادی نظیر «کینگزلی دیویس»<sup>۷</sup> و «ارگانسکی»<sup>۸</sup>، درآمد ملی را بهترین شاخص ارزیابی قدرت ملی کشورها دانسته‌اند. «چارلز هیش» و «رونال مک‌کین»<sup>۹</sup> تولید ناخالص ملی و «بروس راس» پس از تحقیقات مفصل، کل سوخت مصرفی را تنها معیار ارزیابی قدرت ملی کشورها دانسته‌اند. این نتیجه‌گیری توسط «اسکار مورگنسترون»<sup>۱۰</sup> نیز تأیید شد.

جدول شماره ۱: انواع شاخص‌های تک‌متغیره برای سنجش قدرت ملی کشورها. (مرادبان به نقل از تلیس، ۱۳۸۷: ۳۹)

طراح مدل	نوع شاخص	نام شاخص
کلاوس نور	اقتصادی	تغییرات درازمدت توانمندی اقتصادی
نورمن الکوک و آلان نیوکامب	نظامی	هزینه‌ی نظامی و نیروی نظامی
کینگزلی دیویس و ارگانسکی	اقتصادی	درآمد ملی
چارلز هیش و رونال مک‌کین	اقتصادی	تولید ناخالص ملی
بروس راس و اسکار مورگنسترون	اقتصادی	کل مصرف سوخت و مصرف برق

1 Karl Devtech

2 Norman Alcock

3 Alan Newcomb

4 George Modelski

5 William Tamp son

6 Klaus Knur

7 Kingsley Davis

8 A.F.K. Organski

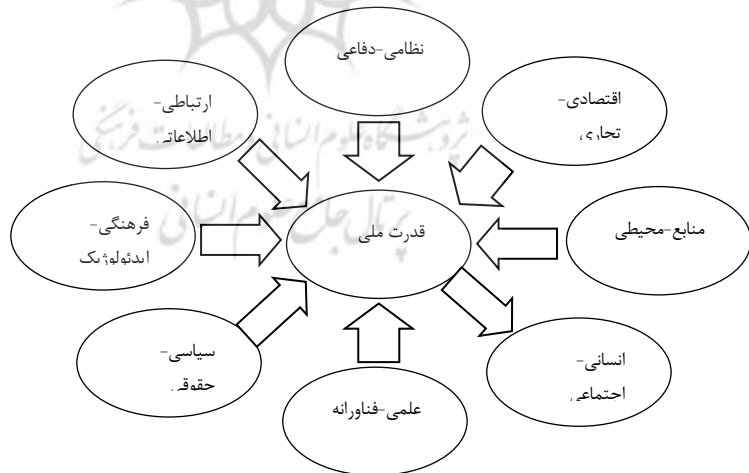
9 Ronal Mc Keen

10 Oscar Morgenstern

جاشوا گلداشتاين	اقتصادی	تولید ناخالص ملی
آینیس کلاد و کارل دیوش	نظامی	توانمندی نظامی
جورج مدلسکی و ویلسام تامپسون	نظامی	اندازه نیروی دریایی

رویکرد چندمتغیره: با وجود آنکه به عقیده‌ی تعدادی از صاحب نظران، شاخص‌های تک‌متغیره رضایت‌بخش به نظر می‌رسند و رواج گسترده‌ای دارند؛ لیکن کسانی که نتوانسته‌اند درباره‌ی ارزش‌های تک‌متغیره قانع شوند- به‌خصوص آنان که ذهن ریاضی قوی‌تری داشته‌اند- به شاخص‌های چندمتغیره روی آورده‌اند. در واقع وجود برخی اشکالات در به‌کارگیری شاخص‌های تک‌متغیره، باعث شده است تا این شاخص‌ها مورد انتقاد بسیاری از صاحب‌نظران قرار گیرند. از جمله‌ی این افراد می‌توان از «مورگنتا» نام برد که نسبت به استفاده از شاخص‌های تک‌متغیره‌ی محاسبه‌ی قدرت ملی هشدار داده و آن را غیرعلمی دانسته است. (Tellis, & Others, 2000,29)

همچنین به دلیل ضعف شاخص‌های تک‌متغیره در محاسبه‌ی جنبه‌های مختلف توانمندی‌ها، امروزه ما شاهد جایگزینی شاخص‌های ترکیبی به جای شاخص‌های تک‌متغیره در ارزیابی جنبه‌های مختلف توسعه و توانمندی کشورها هستیم. (Gharehbaghian, 2000,8)



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق



نوع و روش تحقیق: تحقیق حاضر از نظر نوع، کاربردی- توسعه‌ای و از نظر روش، یک تحقیق موردی- زمینه‌ای است؛ زیرا این تحقیق تلاش دارد ضمن شناسایی معیارهای مهم تأثیرگذار در تعیین قدرت ملی کشورها، با بهره‌گیری از تکنیک‌های آماری، میزان اهمیت و وزن شاخص‌ها را با کمک کارشناسان و مدیران و فرماندهان عالی‌رتبه‌ی جمهوری اسلامی ایران تعیین نماید. علاوه بر روش موردی- زمینه‌ای، به‌منظور انجام تحلیل‌های کیفی در تحقیق حاضر، از دو روش دیگر استفاده شده است که عبارتند از:

روش بررسی اسناد و مدارک علمی (با رویکرد زمینه‌ای)؛

روش تحلیل محتوی ۲ با هر دو رویکرد ژرفانگر و پهنانگر.

روش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات: جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته و ابزار جمع‌آوری، پرسش‌نامه‌ی محقق و فیش بوده است.

جامعه‌ی آماری و حجم آن: جامعه‌ی آماری پژوهش شامل فرماندهان و خبرگان نظامی و اساتید دانشگاه‌های نظامی و غیرنظامی و صاحب‌نظران مسلط به حوزه‌های قدرت ملی و قدرت نظامی و خبرگان علوم راهبردی در سطح ملی با حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و ده سال سابقه‌ی خدمت یا تدریس بوده است. براساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده، حجم جامعه‌ی آماری حدود هشتاد نفر تخمین زده شد که برای تکمیل پرسش‌نامه، به همه‌ی آنان مراجعه شد.

روش نمونه‌گیری: با توجه به محدودیت جامعه‌ی آماری و شرایط ویژه‌ای که خبرگان انتخابی می‌بایست داشته باشند، در این پژوهش از روش تمام‌شمار استفاده شده است.

روش تجزیه‌ی تحلیل آماری داده‌های تحقیق و روش اعتبارسنجی داده‌های گردآوری‌شده:

به‌منظور تحلیل داده‌های گردآوری‌شده به‌وسیله‌ی پرسش‌نامه، از آمار توصیفی و برای تعیین اوزان معیارهای قدرت از تکنیک میانگین‌های موزون استفاده شده است. پایایی و روایی پرسش‌نامه‌ها نیز با کمک آلفای کرونباخ محاسبه گردید. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از نتایج تحقیق، در نشست‌هایی که با حضور کارشناسان و خبرگان برگزار شد، نتایج به‌دست‌آمده مورد بررسی و اعتبارسنجی قرار گرفت.

در کنار تجزیه‌ی تحلیل‌های کمی برای تحلیل مباحث با هدف دست‌یافتن به دیدگاه‌های جدید و ژرف‌نگری در موضوعات مرتبط با تحقیق، در این تحقیق از روش «تکیه بر موضوعات نظری» (از کیا، ۱۳۸۲: ۳۷۳) نیز استفاده شده است.

اطلاعات جمعیت‌شناختی جامعه‌ی نمونه

به‌منظور انجام تحلیل‌های آماری، ابتدا با استفاده از آمار توصیفی، ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان به سؤالات پرسش‌نامه تحلیل شد.

### یافته‌ها

پس از تهیه‌ی فهرست اولیه شاخص‌ها از آنجا که اولاً همه‌ی آن‌ها قابل سنجش نبودند و ثانیاً امکان سنجش همه‌ی شاخص‌ها نیز فراتر از امکان و ظرفیت تحقیق حاضر بود، در ارزیابی اولیه به کمک یک گروه کارشناسی، اقدام به کاهش شاخص‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها در قالب متغیرهای مرتبط با ابعاد هشت‌گانه‌ی زیر نمودیم:

(۱) بُعد نظامی - دفاعی: بُعد نظامی از مهم‌ترین ابعاد قدرت است که بیش و پیش از سایر ابعاد مورد توجه نظریه‌پردازان بوده و در الگوهای سنجش قدرت ملی نیز نمود بسیار برجسته‌ای داشته است. بر اساس مرور الگوهای موجود، ابتدا کل شاخص‌های قدرت ملی در بُعد نظامی احصا گردید و سپس بر مبنای چارچوب نظری جدید، برخی شاخص‌های جدید نیز به آن‌ها افزوده شد و در قالب پنج متغیر انسجام‌ساختاری، نیروی انسانی، بودجه‌ی نظامی، تجهیزات و حضور نظامی، نسبت به دسته‌بندی و تفکیک آن‌ها اقدام شد؛

(۲) بُعد اقتصادی - تجاری: بُعد اقتصادی نیز نه به اندازه‌ی بُعد نظامی، اما معمولاً در درجه‌ی دوم اهمیت مورد توجه بسیاری از الگوهای سنجش قدرت ملی، به‌ویژه الگوهای جدیدتر قرار داشته است. در اغلب این الگوها به متغیرها و شاخص‌های اقتصادی حتی ارزشی بیش از متغیرها و شاخص‌های نظامی داده شده است؛ اما آنچه در ارتباط با این متغیرها و شاخص‌ها قابل ذکر است، اینکه عمدتاً به بُعد اقتصادی و آن هم در سطح ملی اشاره کرده‌اند و به عوامل تجاری که به خصوص در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌صورت روزافزون مورد توجه قرار می‌گیرند، توجه کمتری شده است؛

(۳) بُعد منابع - محیطی: منابع و ذخایر کشورها در اغلب الگوهای موجود در ارتباط با ابعاد نظامی یا اقتصادی مورد توجه قرار گرفته‌اند و کمتر الگویی را می‌توان یافت که به این متغیرها و شاخص‌ها به‌عنوان یک بُعد مستقل قدرت توجه کرده باشد. بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته

در الگوهای موجود نیز به تعداد زیادی شاخص در این زمینه دست یافتیم که در بررسی کارشناسان به ۳۷ شاخص تقلیل یافت؛

۴) بُعد انسانی - اجتماعی: با وجود آنکه جمعیت کشورها همواره به‌عنوان یکی از عوامل قدرت محسوب شده و تقریباً در همه‌ی الگوهای سنجش قدرت کشورها به آن توجه شده است، اما متغیرها و شاخص‌های انسانی و اجتماعی نیز به‌صورت گسترده از زمانی که شاخص توسعه‌ی انسانی سازمان ملل مطرح و به‌صورت ادواری سنجیده شد، مورد توجه قرار گرفته است. در واقع در اغلب الگوهای سنجش قدرت ملی به شاخص جمعیت توجه ویژه وجود داشت؛ اما به کیفیت آن توجه چندانی نشده بود و اهمیت این مقوله از هنگامی افزایش پیدا کرد که رتبه‌بندی‌های بین‌المللی در این زمینه گسترش یافتند. بر مبنای این رتبه‌بندی‌ها، به شاخص‌های کیفی جمعیت نیز توجه بیشتر شده است و در حال حاضر درکی گسترده‌تر از قبل نسبت به این بُعد از قدرت وجود دارد. با این وجود متغیرها و شاخص‌های موجود در این زمینه نیز به‌صورت جدی مورد بازنگری قرار گرفت و در نهایت لیستی مرکب از ۳۳ شاخص در قالب پنج متغیر تحت عنوان شاخص‌های بُعد انسانی - اجتماعی قدرت، مورد تأیید گروه کارشناسان قرار گرفت؛

۵) بُعد علمی - تکنولوژیک: به همان میزان که از وجه سخت قدرت فاصله گرفته شده و به‌سمت وجوه نرم و هوشمند حرکت شده، بُعد علمی و تکنولوژیک نیز بیش‌ازپیش مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. هرچند در الگوها و مدل‌های اولیه قدرت ملی به این بُعد از قدرت توجه چندانی نشده بود؛ اما شاید یکی از وجوه تمایز الگوهای جدید را بتوان در اهمیت و اولویت‌دادن به این بُعد از قدرت یافت. به‌رحال متغیرها و شاخص‌های مربوط به این بُعد نیز هنوز به حد لازم مورد توجه قرار نگرفته‌اند و یکی از امتیازات این پژوهش، توجه به بُعد مذکور به‌عنوان یکی از بنیان‌های قدرت نرم و هوشمند است. در الگوهای موجود، شاخص‌های بسیاری به‌عنوان شاخص‌های علمی و تکنولوژیک قدرت ملی مورد توجه قرار گرفته‌اند که با نظر کارشناسان برخی شاخص‌های جدید نیز به آنها افزوده شد و در نهایت لیستی با چهار متغیر و ۲۹ شاخص به‌عنوان عوامل علمی - تکنولوژیک قدرت ملی شکل گرفت؛

۶) بُعد سیاسی - حقوقی: گرچه تمرکز بر قدرت ملی از ابتدای توجه به مقوله سنجش به‌صورت تلویحی بیانگر قدرت سیاسی یک واحد حقوقی ملی بوده است؛ اما به‌صورت خاص در الگوهای اولیه‌ی سنجش و ترازبایی قدرت توجه چندانی به بعد سیاسی - حقوقی نشده بود و در واقع

توجه به این بُعد نیز از ثمرات توجه به وجوه نرم و هوشمند قدرت است که به صورت خاص در این الگو مورد توجه قرار گرفته‌اند. در الگوهای سنجش قدرت ملی موجود، عوامل بسیاری را در ارتباط با این بُعد از قدرت می‌توان یافت که برخی حتی به صورت رتبه‌بندی‌های بین‌المللی در آمده‌اند و به صورت سالیانه کشورهای مختلف را بر مبنای آن‌ها رتبه‌بندی می‌کنند. متغیرها و شاخص‌های اولیه که از استخراج رتبه‌بندی‌های بین‌المللی، الگوهای سنجش موجود و اهداف و مبانی مورد نظر این پژوهش به دست آمده‌اند را در قالب ده متغیر و ۵۴ شاخص می‌توان مشاهده نمود.

۷) بُعد فرهنگی - ایدئولوژیک: الگوهای سنجش قدرت ملی موجود به دلیل اینکه عمدتاً بر مبنای متغیرها و شاخص‌های کمی و عینی بنا شده‌اند، کمتر به بُعد فرهنگی - ایدئولوژیک پرداخته‌اند. بنابراین طبیعی است که متغیرها و شاخص‌های این بُعد بیش از آنکه از الگوهای موجود استخراج شوند، از مبانی فرهنگی و ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران نشئت گرفته‌اند. در واقع از آنجا که الگوی مورد نظر ما با هدف سنجش قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مرتبط با آن تدوین شده، بدیهی است که از شاخص‌های فرهنگی و ایدئولوژیک موجود تا حد بسیاری فاصله بگیرد؛ اما در عین حال بر متغیرها و شاخص‌هایی تأکید کند که علاوه بر سنجش قدرت جمهوری اسلامی، امکان سنجش قدرت کشورهای دیگر را نیز داشته باشند؛

۸) بُعد ارتباطی - اطلاعاتی: در الگوهای متأخر سنجش و ارزیابی قدرت ملی، به متغیرها و شاخص‌های ارتباطی و اطلاعاتی هم توجه شده است؛ اما هیچ‌گاه این توجه به حدی نبوده که از بُعد ارتباطی - اطلاعاتی به عنوان یک بُعد مستقل قدرت سخن به میان آید. در واقع اغلب الگوهای موجود توانمندی‌های ارتباطی و اطلاعاتی کشورها را در ذیل دیگر ابعاد قدرت دیده‌اند؛ اما در الگوی مورد نظر این پژوهش سعی شده است به متغیرها و شاخص‌های این بُعد، توجه ویژه مبذول گردد. بر اساس نظر گروه کارشناسان، هدفه شاخص در این بُعد مورد توجه قرار گرفت که این شاخص‌ها در قالب سه متغیر دسته‌بندی شدند.

غربال کردن متغیرها و شاخص‌ها: با وجود آنکه در دسته‌بندی اولیه بسیاری از شاخص‌ها حذف یا در یکدیگر ادغام شدند، اما باقی‌ماندن ۲۸۶ شاخص همچنان یکی از مشکلاتی بود که باید برای آن فکر می‌شد و تا حد ممکن از تعداد آن‌ها کاسته می‌شد. بدین منظور گروهی از کارشناسان با تخصص‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، جغرافیای سیاسی، اقتصاد،

جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ، مطالعات استراتژیک و حقوق، مبنای غربال کردن شاخص‌ها قرار گرفتند و در واقع با استفاده از گروه نخبگان، نسبت به تقلیل و در عین حال تدقیق شاخص‌ها اقدام شد. این گروه با برگزاری چندین جلسه و بررسی تک‌تک شاخص‌ها با توجه به معیارهای سادگی و سهولت دسترسی به اطلاعات مربوط به شاخص، قابلیت اندازه‌گیری کمی، واقعی بودن یا انعکاس واقعیت، گویایی، دقت و جامعیت شاخص و همچنین قابلیت مقایسه در مورد کشورهای مختلف یا جهان‌شمول بودن، به تقلیل قابل توجه و دسته‌بندی شاخص‌ها در قالب متغیرهای مربوطه اقدام نمود. در واقع این معیارها، زمینه‌ی را برای تدقیق و تفکیک شاخص‌ها بر مبنای ابعاد هشت‌گانه فراهم کرد. طی چندین جلسه که با حضور کارشناسان برگزار گردید، ضمن مشخص کردن واحد سنجش هر شاخص و طیف سنجش میزان اهمیت آن در قالب یک طیف پنج‌گانه (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم)، در نهایت از ۴۱ متغیر ۲۷ مورد و از ۲۶۸ شاخص مورد بحث ۱۵۴ شاخص باقی ماند و لیست طولانی پیشین به لیست زیر تقلیل یافت: در بُعد نظامی- دفاعی، ۴۴ شاخص در قالب پنج متغیر به ترتیب زیر باقی ماند:

جدول شماره ۲: متغیرها و شاخص‌های نهایی در بعد نظامی

متغیر	شاخص	متغیر	شاخص
نیروی انسانی	تعداد نیروی نظامی فعال	نسبت فرماندهان ارشد به کل نیروها	نسبت فرماندهان ارشد به کل نیروها
	نسبت نیروی نظامی به کل جمعیت	سطح آموزش نظامی	سطح آموزش نظامی
	تعداد نیروی آماده خدمت	سطح روحیه و انگیزه‌ی نظامی	سطح روحیه و انگیزه‌ی نظامی
	تعداد افراد مشمول خدمت سالیانه	توان کنترل و فرماندهی	توان کنترل و فرماندهی
نیروی هوایی	تعداد پرسنل نیروی زمینی	میزان بودجه‌ی نظامی	میزان بودجه‌ی نظامی
	تعداد پرسنل نیروی هوایی	نسبت بودجه نظامی به GDP	نسبت بودجه نظامی به GDP
	تعداد پرسنل نیروی دریایی	میزان تولید تسلیحات	میزان تولید تسلیحات
	تعداد نیروهای ذخیره (بسیج مردمی)	میزان صادرات تجهیزات نظامی	میزان صادرات تجهیزات نظامی
	تعداد پرسنل نیروی انتظامی (پلیس)	نسبت هزینه تحقیق و توسعه نظامی به بودجه نظامی	نسبت هزینه تحقیق و توسعه نظامی به بودجه نظامی

هزینه‌ی سرانه‌ی نظامی	تعداد نیروهای فعال در	همکاری‌های نظامی
تعداد فرودگاه‌های نظامی	مأموریت‌های حفظ صلح	
تعداد بنادر و اسکله‌های نظامی	تعداد پایگاه‌های نظامی برون مرزی حضور در پیمان‌های نظامی-امنیتی منطقه‌ای	
تعداد خودروهایی زرهی	تعداد تانک‌ها	تعداد ناوهای هواپیمابر
تعداد توپ و هویتزر	تعداد موشک‌های بالستیک و کروز	تعداد قایق‌های توپدار
تعداد راکت‌اندازها	تعداد هواپیماهای جنگنده،	تعداد ناوشکن‌ها
تعداد پهپادها	تعداد هواپیماهای ترابری	(ناوچه) تعداد فریگیت‌ها
تعداد بالگردها	تعداد سیستم‌های پدافندی	تعداد زیردریایی‌ها
تعداد بمب‌افکن و شناسایی	تعداد شناورهای لجستیک	تعداد مین‌روب‌های دریایی
	تعداد ماهواره‌های نظامی	تعداد بمب‌ها و کلاهک‌های هسته‌ای

تیم  
پژوهشی  
ژان:

در بُعد اقتصادی-تجاری، ۲۳ شاخص در قالب سه متغیر به ترتیب زیر باقی ماند:

جدول شماره ۳: متغیرها و شاخص‌های نهایی در بعد اقتصادی-تجاری

شاخص	متغیر	شاخص	متغیر
نیروی کار (شاغل و غیر شاغل)	فضای کسب و کار	تولید ناخالص داخلی (GDP)	نمایگرهای کلان اقتصادی
نرخ اشتغال		سهم بخش صنعت از GDP	
میزان رقابت‌پذیری اقتصادی		سهم بخش خدمات از GDP	
نرخ تضمین حقوق مالکیت		سهم بخش کشاورزی از GDP	
موجودی ذخایر بین‌المللی	موقعیت بین‌المللی	درآمد ناخالص ملی (GNI)	نرخ تورم
میزان صادرات		بودجه کل کشور	
میزان واردات			

تراز تجارت خارجی	ضریب جینی
میزان بدهی خارجی	ارزش پول ملی
رتبه اعتباری کشور	نرخ رشد اقتصادی
	ارزش دارایی‌های بازار سرمایه (بورس)
	میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی
	میزان جذب سرمایه‌گذاری داخلی

در بُعد منابع- محیطی، ۲۲ شاخص در قالب شش متغیر به ترتیب زیر باقی ماند:

جدول شماره ۴: متغیرها و شاخص‌های نهایی در بعد منابع- محیطی

متغیر	شاخص	متغیر	شاخص
منابع غذایی	میزان تولید محصولات کشاورزی	وضعیت اقلیمی	میزان بارندگی
	میزان تولید محصولات دامی		آلودگی زیست محیطی
	میزان تولید محصولات آبی		حوادث و بلایای طبیعی
ذخایر و منابع انرژی	زغال سنگ	ذخایر طبیعی و معدنی	منابع آب شیرین
	نفت		منابع طبیعی (مراعات و جنگل‌ها)
	گاز		منابع فلزی
	توان تولید برق		منابع غیرفلزی
موقعیت ارتباطی	میزان راه‌های زمینی	موقعیت ژئوپلیتیک	وسعت سرزمین
	شبکه حمل و نقل هوایی		اختلافات ارضی و مرزی
	شبکه حمل و نقل ریلی		میزان دسترسی به آب‌های آزاد
	ناوگان حمل و نقل دریایی		قدرت فضایی

در بُعد انسانی- اجتماعی، ۲۳ شاخص در قالب ۴ متغیر به ترتیب زیر باقی ماند:

جدول شماره ۵: متغیرها و شاخص‌های نهایی در بعد انسانی- اجتماعی

متغیر	شاخص	متغیر	شاخص
جمعیت	نسبت جمعیت شهری (به کل)	جمعیت	میزان قتل
			میزان خودکشی
			میزان طلاق

میزان اعتیاد	جمعیت ۱۴-۰ سال
نسبت زندانیان به جمعیت	جمعیت ۶۴-۱۵ سال
	جمعیت ۶۵ سال به دسترسی به آموزش بالا

میزان پناهندگی	دسترسی به بهداشت	مهاجرت	نرخ (خارجی)
مهاجرت نخبگان	جمعیت زیر خط فقر	نرخ امید به زندگی	نرخ امید به زندگی
توسعه‌ی اجتماعی	هزینه تأمین اجتماعی به GDP	انسجام	میزان اجتماعی
سرمایه‌ی اجتماعی		رضایتمندی	رضایتمندی اجتماعی

در بُعد علمی- تکنولوژیک ۱۵ شاخص در قالب ۳ متغیر به ترتیب زیر باقی ماند: جدول شماره ۶: متغیر ها و شاخص های نهایی در بعد علمی- تکنولوژیک

شاخص	متغیر	شاخص	متغیر
تعداد دانشگاه‌ها	میزان ثبت اختراعات و ابتکارات	رتبه جهانی تولید ایده	رتبه جهانی تولید ایده
دانشگاه‌های برتر در رتبه‌بندی جهانی	سهم در تولید مقالات علمی ISI	رتبه صادرات تکنولوژی‌های برتر	رتبه صادرات تکنولوژی‌های برتر
تعداد دانشجویان	نسبت دانشجویان به کل جمعیت	نرخ رشد تکنولوژی	نرخ رشد تکنولوژی
نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی	نسبت استاد به دانشجو	جایگاه تکنولوژیک	جایگاه تکنولوژیک
نسبت بودجه تحقیق و توسعه	نسبت بودجه‌ی تحقیق و توسعه به GDP		
نسبت پژوهشگر به کل جمعیت			

در بُعد سیاسی- حقوقی، نه شاخص در قالب دو متغیر به ترتیب زیر باقی ماند: جدول شماره ۷: متغیر ها و شاخص های نهایی در بعد سیاسی- حقوقی

متغیر	شاخص	متغیر	شاخص
میزان مشارکت	میزان مشارکت	سیاسی/	توان
میزان سیاسی	رضایتمندی	دیپلماتیک	دیپلماتیک



میزان	مسئولیت	توان کنترل فساد	منزلت
پذیری دولت			بین‌المللی
			کشور (افکار عمومی)
میزان ثبات سیاسی	حاکمیت قانون		
میزان کارآمدی			
دولت			

در بُعد فرهنگی - ایدئولوژیک، نه شاخص در قالب دو متغیر به ترتیب زیر باقی ماند:

جدول شماره ۸: متغیرها و شاخص‌های نهایی در بُعد فرهنگی - ایدئولوژیک

متغیر	شاخص	متغیر	شاخص
ایدئولوژیک	ضریب فرهنگی - ایدئولوژیک	تولید محصولات فرهنگی	نفوذ قدرت جذب گردشگر
	ضریب رسانه‌ای	صادرات کالاهای فرهنگی	تصویر کشور در افکار عمومی
قدرت نرم	رتبه جهانی	بودجه فرهنگی	مراودات فرهنگی
	قدرت نرم بین‌المللی	نسبت به GDP	بین‌المللی

در بُعد ارتباطی - اطلاعاتی، نه شاخص در قالب دو متغیر به ترتیب زیر باقی ماند:

جدول شماره ۸: متغیرها و شاخص‌های نهایی در بُعد ارتباطی - اطلاعاتی

متغیر	شاخص	متغیر	شاخص
ارتباطی	پایگاه‌های اطلاعاتی ملی	ضریب نفوذ اینترنت	نسبت IP به جمعیت
	شاخص توسعه ICT	تعداد شبکه‌های برون‌مرزی	مخاطبین برون‌مرزی
اطلاعاتی	تحقق دولت الکترونیک		
	رتبه جهانی شاخص وب		

رتبه رقابت‌پذیری صنعت IT

پس از تهیه‌ی لیست ویرایش شده، گام بعدی سنجش درجه اهمیت یا وزن متغیرها و شاخص‌های آن‌ها بر مبنای نظر نخبگان و با استفاده از روش دلفی بود. هرچند در این مرحله می‌شد وزن تمام متغیرها و شاخص‌ها را یکسان تلقی کرد؛ اما از آنجا که فرض بر این است که

قدرت همواره مفهومی سیال بوده و به تبع آن، وزن متغیرها و شاخص‌های آن هم در حال تغییر است؛ چنین تصمیم گرفته شد که وزن متغیرها و شاخص‌ها از طریق نظرسنجی از نخبگان و کارشناسان سنجیده شود. تمرکز بر شاخص‌های قدرت، از گویایی به مراتب بیشتری نسبت به وجوه، سطوح، ابعاد و متغیرها برخوردار است و بر این اساس با وضوح بیشتر می‌توان در مورد اهمیت یا وزن هر شاخص و همچنین رتبه‌ی آن‌ها سخن گفت.

قبل از تلاش برای دستیابی به مدل سنجش قدرت ملی، باید نرمال بودن داده‌ها نیز مورد آزمون قرار می‌گرفت. بدین منظور مقادیر پاسخ‌های هر سؤال را با یکدیگر جمع نموده تا مجموع پاسخ‌های هر پرسش‌نامه به دست آید. سپس با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنف، نرمال بودن مقادیر پاسخ‌های هر شاخص با کمک نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه‌ی این آزمون نشان داد که متغیرها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. در نتیجه بهتر است برای تحلیل‌های آماری، از روش‌های آمار ناپارامتریک استفاده شود. لذا در ادامه با استفاده از آزمون ناپارامتریک فریدمن، میزان تأثیرگذاری هر یک از ابعاد در قدرت ملی سنجیده شد

### بحث و نتیجه‌گیری

بررسی نتایج و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد الگوی سنجش و ترازبایی قدرت ملی که با توجه به ویژگی‌های بومی جمهوری اسلامی ایران و البته با رعایت امکان بررسی آن در مورد تمام کشورهای جهان تهیه شده، قابلیت‌ها و امتیازات بسیاری نسبت به اغلب الگوهای سنجش قدرت ملی موجود دارد؛ اما به‌عنوان نتیجه‌گیری لازم است بار دیگر به برخی قابلیت‌های این الگو به‌صورت مختصر اشاره شود.

الگوی مورد نظر این تحقیق:

صرفاً متکی به وجه سخت قدرت نیست و به همه‌ی وجوه آن از جمله قدرت نرم و هوشمند نیز در کنار قدرت سخت توجه می‌کند؛

علاوه بر سطح ملی قدرت، به سطوح فروملی و فراملی نیز می‌پردازد. توجه به شاخص‌های مورد نظر این الگو حاکی از این است که قدرت در همه‌ی سطوح آن مورد توجه طراحان الگو بوده است؛

توجه به تمام ابعاد قدرت و حتی افزودن ابعاد جدیدی مانند بُعد فرهنگی-ایدئولوژیک و ارتباطی-اطلاعاتی، از امتیازات این تحقیق هم در حوزه‌ی تئوریک و هم در سطح عملی است؛

تنوع و گستردگی متغیرها و شاخص‌های این الگو در عین توجه به انسجام تئوریک را نیز نباید از نظر دور داشت. در این الگو پس از غربال‌گری‌ها و اصلاحات دقیق و مبتنی بر اصول علمی، نهایتاً ۱۷۸ شاخص در قالب ۲۷ متغیر مبنای ساخت الگو و سنجش قدرت ملی قرار گرفتند که این میزان تنوع و گستردگی در عین جلوگیری از گسیختگی نظری را می‌توان یکی از امتیازات الگو تلقی نمود؛

افزایش تعداد متغیرها و شاخص‌ها شاید این ذهنیت را ایجاد کرده باشد که محاسبه و سنجش قدرت ملی بر اساس این الگو، پیچیده یا حداقل غیردقیق خواهد بود؛ اما سنجش و محاسبه‌ی ساده در عین توجه به دقت و اعتبار سنجش را نیز می‌توان از ویژگی‌های منحصر به فرد این الگو دانست؛

اغلب الگوهای سنجش قدرت ملی صرفاً به دنبال به دست آوردن رتبه‌ی قدرت کشورها هستند و به ترازبایی و تحلیل شکاف بین ابعاد، متغیرها و شاخص‌های قدرت ملی یک کشور یا کشورها با یکدیگر بی‌توجهند؛ در حالی که الگوی مورد نظر این تحقیق به دلیل توجه همزمان و تکمیلی به سنجش، ترازبایی و تحلیل شکاف قدرت، موقعیتی ممتاز از سایر الگوهای موجود دارد؛ آنچه امکان محاسبه‌ی ساده و دقیق و توجه همزمان به سنجش، ترازبایی و تحلیل شکاف را ممکن کرده، قابلیت‌های نرم‌افزاری این الگو برای محاسبه تغییرات جدید و دریافت خروجی‌های متفاوت است. در واقع علی‌رغم اینکه ساختن مدل نرم‌افزاری این الگو، زمان و هزینه بسیاری را به خود اختصاص داد؛ اما چنین قابلیت‌ی امکان ایجاد بسیاری از امتیازات دیگر برای الگو را فراهم کرده است؛

از دیگر امتیازات الگو می‌توان به امکان مقایسه‌ی قدرت کشورها در هر یک از شاخص‌ها، متغیرها، ابعاد، سطوح و وجوه، و همچنین امکان نمایش و مقایسه رشد متوازن یا نامتوازن قدرت کشورها اشاره کرد که از ویژگی‌های منحصر به فرد این الگو می‌باشد.

با توجه به قابلیت مدل در سنجش و ترازبایی قدرت ملی کشورها، پیشنهاد می‌شود هر ساله قدرت ملی کشورهای هدف و مورد علاقه، توسط مدل، سنجش و رسماً توسط پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی که تحقیق در آنجا انجام شده است، اعلام گردد. تداوم اینکار موجب می‌شود که پس از چند سال، پژوهشکده به عنوان مرجعی برای اعلام سالیانه‌ی قدرت ملی کشورها مطرح و مرجع قرار گیرد.

## منابع

- ازکیا، مصطفی و دربان، آستانه (۱۳۸۲)، روش‌های کاربردی تحقیق، انتشارات کیهان، تهران
- بن فارس بن زکریا، احمد (۱۴۱۰)، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، قم، مکتب‌العلام‌الاسلامی.
- پرسکات، ادوارد (۱۳۵۲)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای سیاسی، ترجمه‌ی دره میرحیدر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- تافلر، الوین (۱۳۷۰)، جابه‌جایی قدرت، ترجمه‌ی شهین‌دخت خوارزمی، ناشر مترجم
- تلیس، اشلی و دیگران (۱۳۸۳)، سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پایلی.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۳)، جایگاه ایران و همسایگان در شاخص جهانی صلح، ماهنامه‌ی برآورد، سال دوم، شماره‌ی ۲۴، صص ۲۸-۲۳
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت و نظام بین‌المللی، تهران، سمت.
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۵)، ارزیابی عوامل و متغیرهای مؤثر بر قدرت ملی و طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها، رساله‌ی دوره‌ی دکترای جغرافیای سیاسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴)، اصول روابط بین‌الملل، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- عامری، هوشنگ (۱۳۸۷)، اصول روابط بین‌الملل، ویرایش پنجم، چاپ دوم، تهران، نشر آگه.
- فرانکل، جوزف (۱۳۷۱)، نظریه‌های معاصر روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ دوم، تهران: سمت.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۳)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، کاستی‌های معادلات لانچستر در تبیین صحنه‌ی نبرد، فصلنامه‌ی پژوهشی- آموزشی دافوس آجا، شماره‌ی ۸ و ۹.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۷)، شاخص‌های اصلی سنجش قدرت نظامی کشورها، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال ششم، شماره‌ی ۲۳، صص ۱۹۶-۱۷۱

مرادیان، محسن (۱۳۸۷)، **شاخص‌های سنجش اقتدار علمی کشورها**، فصلنامه‌ی اقتدار علمی - اقتدار ملی، سال اول، شماره‌ی ۱، صص

مرادیان، محسن و حسن شیرازی (۱۳۸۹)، **بررسی میزان تأثیر هر یک از عوامل محسوس قدرت در شکل‌گیری قدرت نظامی**، فصلنامه‌ی سیاست دفاعی، دانشگاه امام حسین(ع)، سال هجدهم، شماره‌ی ۷۲، صص ۲۲۶-۱۹۱

معین، محمد (۱۳۷۱)، **فرهنگ فارسی معین**، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.  
منوچهری، عباس (۱۳۷۶)، **قدرت، مدرنیسم و پست مدرنیسم**، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌ی ۱۲۲-۱۲۱، صص ۳۲-۳۹

نبوی، سیدعباس (۱۳۷۹)، **فلسفه‌ی قدرت**، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت)

هالستی، کی. جی. (۱۳۷۳)، **مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل**، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

Alcock, Norman Z., and Alan G. Newcombe (1970), “**The Perception of National Power**”, *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 14, pp. 335-343.

Bachrach, P. and M.S. Baratz (1970), **Power and Poverty: Theory and Practice**, Oxford: Oxford University Press.

Dahl, Robert A. (1957), “**The Concept of Power**”, *Behavioural Science*, No. 2, pp. 1-5.

Dahl, Robert A. (1963), **Modern Political Analysis**, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Dahl, Robert A. (1986), “**Power as the Control of Behaviour**”, in S. Lukes (ed), *Power*, Oxford: Blackwell, pp. 37-58.

Foucault, M. (1972), **The Archaeology of Knowledge**, London: Tavistock.

Foucault, M. (1977), **Discipline and Punish: The Birth of the Prison**, Harmondsworth: Penguin.

Foucault, M. (1980), **Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings 1972-1977**, C. Gordon (ed), Brighton: Harvester Press.

Gharehbaghian, Morteza (2000), **An Estimation of Level of Development**, Tehran: Islamic Research and Training Institute

Goldstein, Joshua S. (1988), **Long Cycles: Prosperity and War in the Modern Age**, New Haven: Yale University Press